



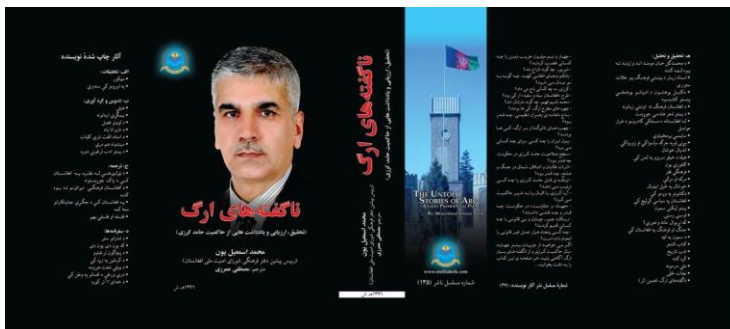
۲۰۱۸/۰۴/۱۱

مصطفی عمرزی

ناگفته های ارگ

(معرفی کتاب)

پس از یک دهه حضور سنگین جامعه ی جهانی، وفرت پول ها و سرمایه گذاری های عظیم، آغاز دیگری که در مقال پرداخت کلیت، فقط اندیشه ی نظامی ندارد که وقتی ممثلان آن، درمانده می شوند، اعتراف به این که یک هفته بدون کمک خارجی، مدام نمیشوند، میتواند در عذاب ناشی از این حقیقت، به واقعیت دیگری برسد که چرا چنین شد؟



نقش رنگارنگ حکومت نو، به مردمی که از مسیر منطقی برخورد با پیرامون، از هفت ثور تا هبوط کرزی، مجبور می کردند بیگانه باشند، در دریافت تنوع منظر، به درستی از تشخیصی عاجز می شوند که می بایست تفهیم می کرد اگر

ناگزیری های حضور اجنبی، در جنب عوامل فساد، به مردمانی می رسد که سال ها پس از پرواز در سوی دیگر (مهاجرت به کشور های دور) وقتی رسیدند فکر می کردند بوستان سرای کشور، همانی ست که هرچند در گرو یک قوم و خانواده، تفسیر ستمی و عدو دارد، اما مردمان پُر مشغله اش در خُریت خود، به حل مسایلی می رسیدند که بدون شک دهه ی دیموکراسی، خوش ترین تجربه ی ما برای فهم مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. به زودی بازیگران باتربیت تکنوکرات، همخوان و هم کاسه ی کسانی می شوند که برای خوردن نان، لیسیدن انگشتان را فضیلت می شمردند و در جیره خواری سالیان بحران و به اصطلاح مبارزه، یادگرفته بودند وقتی به چیزی رسیدند، بی چیز نمانند.

یک دهه پس از تجربه ی حضور، به خوبی فهمیدیم اهل فن، تکنیک و دانش نیز اهل معامله اند و در سلسله ی پرداخت دالر و پول به کره گان خارج مانده، آن قدر پس انداز کردند که توجیه آنان برای خلوت با اهل فساد، تفهیم می کرد در فرصتی که یافته اند، خوردن آنان، اگر در کاسه ی صبر مردم است، خوب می شود از شانس مرغ تخم طلا، به آسایشی برسند که در تشکیل دربار به اصطلاح حکومت مایل به آزادی و دیموکراسی، تاراج و فساد، نه همان خیانتی ست که وقتی از خوان اشتراک بُریدند، می بینند سوژه ی عدو، تفسیر همان فحش و توهینی می شود که برای انحصار قدرت سیاسی، به آبا و اجداد مرئوسان راس قدرت، ادای دین می کنند.

پس از فروکش خبر های بازار ریا، تزویر و تظاهر، روشنگری بر زوایای پیچیده ی حل مُعضل افغانستان، به درستی به تخلکامی ای می رسد که مردمان راس اداره، اگر خیانت کردند، گستره ی آن، در گسترده گی اعتماد مردم، پشت کردن به آرایبی بود که از ملتی به سر بلندی و با عزت افغان یافتند، اما توده های محکوم به سیاست های خارجی در این وطن، شهادت می دهند؛ تمنای ما برای نفس راحت، در گلوگیری گریبان گیرانی خلاصه می شود که در خلوتکده ی ارگ، با مردمانی به بازی گرفتند که سوای فرقه ی ذلالت و شر، حداقل از زنده گی در جوامع قانونمند غربی، یاد گرفته بودند در امر پرروش گوسفند، نیازی به استخدام گرگ نیست.

در سه ماه زمان ترجمه ی این کتاب، مشغول شدم تا ژرفای تلخی ای را درک کنم که چه گونه زمامداران هراسان، مردم را فراموش کردند و در زمینه ی ائتلاف و معامله، فکر می کردند توزیع مادیات، از طمع کسانی می کاهد که انباشته از فساد فکری، در سی سال تجربیات ناکام سیاست های دولت داری و احزاب، افغانستان را بر لبه ی پرتگاه نابودی بُرده بودند و هنوز به نماینده گی از بیگانه، لوحه می زنند؛ ادبیات دارند، تفسیر تاریخی می نویسند و بدتر از همه کور خود بینای مردم، وانمود می کنند اگر دزد، قاتل، خاین، رهن، همکاسه ی بیگانه و مزدور را بر عکس کرده اند، اما کردار آنان به صوبی نمی رسد که از خیر آن، ثواب می گویند.

مدیریت افغانستان در تدوام حاکمیت های ائتلاف و معامله، زمانی که نقش رنگین پول، حرمان مهاجران کشور های خارجی را برای مسرت راحتی بدون کار و زحمت زیاد جلوه می دهد، به زودی به غمگسارانی می رسیم که یاد گرفته اند بلبل باشند، اما نمی دانند چه چه ی آن پرنده ی نگوینخت که وقتی اسیر است، از غم می زند، در زدن به کوچه ی علی چپ، مشغول اند که گویا اگر کس یا کسانی در راس ملکت و ملت، وجایب رسمی به جا می آورند و چرخه ی حکومت، فقط با رنگ امضا در حاضری، به مطلوب در استمرار زمان می رسد، در حالی اشتباه می کنند که نفرت مردم از درک فصل نو دشواری ها، به کسانی حواله می شود که در توزیع امتیازات غیر قانونی، قارون شدند و افسوس که در نبود آزر این کردار، از سهم مردم، کلان بُریدند تا کسانی خرسند شوند که در هرازگاه فرصت ها، در نمونه ای که سمبول وحدت ملی در تالار لویه جرگه را تفهیم کردند: «بسیار اشتباه کرده ای!»، وانمود می کردند آن چه در باب اخوت و برادری گفته اند، واقعاً به خیر مردم است؟

التهاب ناشی از جراحات مدیریت در ارگی که پس از فرصت های اراده و نظم، فصول خونین دارد، ماجرای آینده ی سیاسی کشور ما را به گردابی می کشاند که برگ های این کتاب، در گزیده ای از هزاران افسوس، ثابت می کنند اعتماد مردم بر عواملی که در زمینه ی منطقی تجربیات مردماری و دولتداری شکل نگرفته باشد، در نسخه ی نوع شتاب، بیشتر شبیه سبزی و پالک می شود. می گویند این دو ترکاری، زود رشد می کنند، اما خاصیت آنان در توضیح جامع الكمالات، خطای عقلی، بصری و ادراکی دارد.

کتاب «ناگفته های ارگ»، در به دنبال همان واقعیت هایی رفته است که وقتی از شر حضور فاسدان، به فراغت فکری در باب دیگر می شویم، به خوبی افاده می کند سیستم اداری افغانستان در نوعی که زیر اثر مردمان بی دوسیه بود، زمانی مکدر می شود که گروه نو، در توجیه منافع ملی، در واقع سهم خیانت های خودشان را خواسته اند و در ماحصل این اندوه، امید مردم از کسانی بُریده می شود که فکر کرده بودند در شرکت سهامی افغانستان که جامعه ی جهانی از باب عناصر ناباب، تحمیل کردند، اگر کسانی نیز حضور دارند که فاسد نبودند، حقیقت این که اکثریت اعضای دور از وطن، در خط ماموریت در موسسات خارجی، ممثلانی بیش نیستند که در تجربه ی حکومت به

اصلاح وحدت ملی، چنه زنی از نوع ابقایی که فساد را تطهیر می کند، به خوبی در این کتاب، تفهیم می کند در آینده ی سیاسی پیش رو، در دشواری هایی که مازاد تجربیات تلخ بیش از یک دهه اند، در انتخاب زعیم و مسوول، متعصب نباشیم.

زمان می گذرد و در برگ های سرنوشت، در آن هایی که نفس ما، حیات می سازد، باز هم در تنازع بقاء، فرصت داریم تا نه فقط برای حقی که از زنده گی یافته ایم، در انتخاب سالم، میلان زنده گی ما، تنها رو به افت نباشد، بل در حقیقت فراز و فرود، به بلندی هایی برسد که از تدبیر، به کردار خوب، جامعه را برای رفاه و آسایش، مجال می دهد. کتاب «ناگفته های ارگ»، روایتی ست از متن اداره ای که اگر میزان توجه مردم بر واقعیت های کس و کسان، در ناگزیری های انسان شکم گرسنه، میلانی نمی شد، سال ها پس از انبوه لشکر، هزینه های گزاف و باران پول،

اعتراف نمی کردند «یک هفته بدون کمک خارجی، جان نداریم» و مُعضل ما به چاهی نمی مانست که پس از یک دهه، هراس دارند هرچه می اندازند، غایب می شود.

یادآوری:

کتاب «ناگفته های ارگ» را از کتاب فروشی دانش، واقع سالنگ وات - کابل، به دست آورده می توانید! این کتاب با سایز A5 و ۸۸۵ صفحه، به قیمت ۸۵۰ افغانی به فروش می رسد.

